چرا اختلاف ایران و آمریکا حل نمی‌شود

دستاورد اختلاف با آمریکا برای منافع ملی چیست آخرش چه می شود؟

صادق زیباکلام، تحلیل‌گر سیاسی، در گفتگویی اظهار کرد: ترجیح داده‌ام قدری از فضای رسانه‌ای فاصله بگیرم و بیشتر بر نوشته‌هایم متمرکز باشم و شرایط داخلی، منطقه‌ای و جهانی را با دقت و تأمل بیشتری دنبال کنم. دادگاه به‌واسطه ابتلای من به سرطان، حکم زندان را به مدت سه سال تعلیق کرده ولی دو سال محرومیت لازم‌الاجراست که البته به حکم اعتراض کردم و در مرحله دادگاه تجدیدنظر است.

، متن کامل گفتگو با زیباکلام را در ادامه بخوانید؛

اجازه بدهید گفت‌وگو را از سکوت رسانه‌ای شما در ماه‌های اخیر آغاز کنیم. به نظر می‌رسد نسبت به گذشته، حضور و ظهور بسیار کمتری در فضای رسانه‌ای داشته‌اید؛ کمتر مصاحبه می‌کنید، در مناظره‌ها شرکت نمی‌کنید و کمتر در معرض گفت‌وگوهای رسانه‌ای قرار می‌گیرید. آیا این کاهش حضور ناشی از ملاحظه یا محدودیتی خاص، به‌ویژه پس از صدور رأی اخیر است؟

خیر، من هیچ ملاحظه یا محدودیتی ندارم. صرفا خودم ترجیح داده‌ام قدری از فضای رسانه‌ای فاصله بگیرم و بیشتر بر نوشته‌هایم متمرکز باشم و شرایط داخلی، منطقه‌ای و جهانی را با دقت و تأمل بیشتری دنبال کنم. وگرنه هیچ محدودیتی ندارم که بخواهم مانع از بیان دیدگاه‌هایم شود. البته حکم محکومیت بنده به یک سال حبس و دو سال محرومیت اجتماعی به اتهام «نشر اکاذیب و مطالب خلاف واقع» است و دادگاه به‌واسطه ابتلای من به سرطان، حکم زندان را به مدت سه سال تعلیق کرده ولی دو سال محرومیت لازم‌الاجراست که البته به حکم اعتراض کردم و در مرحله دادگاه تجدیدنظر است.

حال که می‌فرمایید محدودیتی در بیان دیدگاه‌هایتان ندارید و در این مدت نیز حضور رسانه‌ای کمتری داشته‌اید، اجازه بدهید یک پرسش تکراری را بار دیگر مطرح کنم؛ شاید این فاصله چند هفته‌ای و چندماهه از فضای رسانه‌ای، فرصتی برای تأمل بیشتر درباره آن فراهم کرده باشد. البته پاسخ را نه به من، بلکه به همان «دوست مریخی» همیشگی‌تان بدهید. فرض کنیم این دوست مریخی از شما بپرسد: «آقای صادق زیباکلام، تنش میان ایران و آمریکا که سال‌هاست ادامه دارد، پس از جنگ ۱۲ و ۴۰روزه و مشخصا طی این روزها، به یکی از پیچیده‌ترین مقاطع خود رسیده است. چرا این مناقشه به چنین نقطه‌ای رسیده و چرا با وجود هزینه‌های سنگین آن، راه‌حلی برای پایان‌دادن یا دست‌کم کاهش این تنش پیدا نمی‌شود؟». پاسخ شما به دوست مریخی‌تان چیست و اگر قرار باشد او برای ساکنان سیاره مریخ گزارشی درباره ریشه‌ها و ماهیت مناقشه ایران و آمریکا تهیه کند، به نظر شما در گزارش خود چه خواهد نوشت؟

من می‌خواهم از دو زاویه به سؤال شما پاسخ بدهم؛ ابتدا به خود شما جواب بدهم و بعد به همان دوست مریخی‌ام. اما در پاسخ به سؤال شما، واقعا دیگر نمی‌دانم چه باید بگویم. تکلیف به نظر من کاملا روشن است؛ همان سؤالی را که تو از من می‌پرسی، من هم سال‌هاست مطرح می‌کنم؛ سؤالی که به‌واسطه تکرار و پافشاری بر آن، مرتب برایم پرونده تشکیل و یک پرونده دیگر و یک پرونده دیگر علیه من گشوده می‌شود؛ خب اینجا باید دیگران هم بیایند و بپرسند؛ دیگران هم باید این مطالبه را مطرح کنند. مگر پرسیدن سؤال جرم است؟ دیگران هم باید از مسئولان و تصمیم‌گیران بپرسند که دشمنی ما با آمریکا دقیقا بر سر چیست؟ مسئله من دقیقا همین است. این سؤال را نمی‌پرسند یا اگر هم مطرح شود، به آن پاسخ روشن و قانع‌کننده‌ای داده نمی‌شود. خب، وقتی قرار نباشد درباره اصل این مسئله پرسش و گفت‌وگو شود، طبیعی است که این وضعیت همچنان ادامه پیدا کند و ادامه خواهد یافت.

پاسختان برای دوست مریخی‌تان چیست؟

من قبلا هم سعی کردم به این دوست مریخی‌مان پاسخ بدهم. واقعا اگر بخواهم به عنوان استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران، آن هم استادتمام علوم سیاسی دانشگاه تهران، به این پرسش پاسخ بدهم، کار دشواری است. چه آن دوست مریخی باشد و چه یک جوان ۱۶ یا ۱۷ساله یا حتی یک نوجوان دهه هشتادی که از من بپرسد «شما استاد دانشگاه هستید و ۳۰ سال است در دانشگاه تهران علوم سیاسی تدریس کرده‌اید، مشکل ما با آمریکا چیست؟ اختلاف ما با آمریکایی‌ها بر سر چیست و چرا این اختلاف حل نمی‌شود؟» واقعا برایم دشوار است که پاسخ روشنی به او بدهم؛ زیرا واقع مطلب این است که اگر اختلاف ما با آمریکا بر سر نفت بود، اگر بر سر گاز بود، اگر بر سر عرصه یا ارض بود، اگر بر سر پول بود، اگر بر سر تنگه هرمز، توان هسته‌ای، توان موشکی و معادلات منطقه‌ای بود یا بر سر هر موضوع مشخص دیگری بود، آدم می‌توانست بگوید مسئله دقیقا بر سر این موضوع است؛ مستقل از اینکه حق با کیست. همه اینها را قبل‌تر از شما بارها و بارها شنیده‌ایم، اما تکلیف چیست؛ چاره چیست؟ آن سال‌ها و دهه‌هایی که شما همه این حرف‌ها را می‌زدید، تنش ما و ایالات متحده فقط در حد تحریم و تقابل لفظی و نهایتا جنگ غیرمستقیم بود. الان تقریبا هیچ اقدام و تصمیم ضد ایرانی وجود ندارد که از جانب آمریکا و اسرائیل عملیاتی نشده باشد؛ دو بار جنگ فراگیر، ترور، تحریم، محاصره دریایی، فشار به دیگر نیروهای همسو با ایران در منطقه، ارجاع پرونده هسته‌ای به شورای امنیت بعد از دو دهه و باقی موضوعات، ما را به یک نقطه بی‌سابقه رسانده است. همین الان که با شما مصاحبه می‌کنم، در یک فضای جنگی قرار داریم و هر لحظه امکان آغاز دوباره درگیری وجود دارد. ما در حالی با رکوردشکنی‌های پی‌درپی در نرخ ارز، سکه و طلا مواجهیم که بسیاری از مردم احساس می‌کنند دیگر توان اقتصادی جامعه به نقطه‌ای بسیار دشوار رسیده است. در چنین شرایطی، سرانجام این وضعیت چه خواهد شد و راه برون‌رفت از آن چیست؟

همه اینها درست؛ اما سؤال من این است که چرا من باید پاسخ سؤال شما را بدهم؟ من خودم با بسیاری از تندروها، از حمید رسایی تا امیرحسین ثابتی، محمود نبویان و حسین الله‌کرم و دیگر حضرات، مناظره و گفت‌وگو داشته‌ام و همیشه یک سؤال ساده از آن‌ها پرسیده‌ام که «فقط یک مورد نشان بدهید که دشمنی با آمریکا، چه سودی برای منافع ملی ایران داشته است؟». آن‌ها می‌گویند ما دشمنی را آغاز نکردیم و آمریکایی‌ها آغازگر بودند. بسیار خب؛ اما سؤال همچنان پابرجاست که «این دشمنی چه منفعتی برای ایران داشته است؟». این سؤال فقط سؤال من نیست. تا زمانی که این پرسش مطرح و پاسخی روشن به آن داده نشود، این وضعیت همچنان ادامه خواهد یافت.

ا مشکل صادق زیباکلام با ایدئولوژی آمریکاستیزی چیست؟

فتح‌الهی عزیز، چه خوب شد این سؤال را مطرح کردید. من در همین مصاحبه با «شرق» به‌صراحت می‌گویم مخالفت من با ایدئولوژی آمریکاستیزی و اسرائیل‌ستیزی، به‌هیچ‌وجه به معنای حمایت از آمریکا، اسرائیل، ترامپ یا نتانیاهو و کارنامه آن‌ها نبوده و نیست. آمریکا کشوری عهدشکن و بدقول است و نتانیاهو نیز مرتکب جنایات و اقدامات ضدبشری شده است؛ در این مورد هیچ تردیدی ندارم و این موضوع را بارها و بارها صراحتا بیان کرده‌ام و باز هم تکرار می‌کنم. مسئله اصلی من چیز دیگری است. سؤال من این است که این سیاست در طول حدود پنج دهه گذشته برای ما چه دستاوردی داشته است؟ آیا واقعا تصور می‌کنید صادق زیباکلام، صرفا به دلیل انتقاد از ایدئولوژی آمریکاستیزی و اسرائیل‌ستیزی، از نتانیاهو یا ترامپ حمایت می‌کند؟ به‌هیچ‌وجه چنین برداشتی درست نیست. اجازه بدهید از اینجا به بعد پرسش‌ها را شخصی‌تر و صریح‌تر مطرح کنم. شما کتاب پرحاشیه‌ای با عنوان «چرا شما رو نمی‌گیرند و آخرش چی میشه؟ نگاهی به تحولات زیر پوست جامعه ایران در فاصله سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۴۰۲» نوشته‌اید؛ اما نکته قابل تأمل این است که پس از انتشار آن، خود شما در سال ۱۴۰۳ به زندان رفتید و در سال ۱۴۰۴ نیز بار دیگر بازداشت شدید. حالا اگر صادق زیباکلام امروز بخواهد همان کتاب را از نو بنویسد، آیا هنوز می‌تواند با همان اطمینان بپرسد «چرا شما رو نمی‌گیرند؟» یا تجربه این دو سال نشان داده برخی از تحلیل‌ها و برآوردهای شما نیازمند بازنگری است؟ به بیان صریح‌تر، در فاصله سال‌های ۱۴۰۳ تا شهریور ۱۴۰۵ دقیقا چه اتفاقی در زیر پوست جامعه و در مناسبات میان مردم و دولت افتاده است که پیش‌تر نمی‌دیدیم؟ و مهم‌تر از همه، اگر بخواهید امروز پایان این مسیر را ترسیم کنید، صادق زیباکلام آینده ایران را به کدام سو می‌بیند و تا چه اندازه به پیش‌بینی‌های گذشته خودش همچنان باور دارد؟

معمولا پرسش‌ها را به‌شکلی طرح می‌کنی که پاسخ‌دادن به آن‌ها چندان آسان نیست. اما من از خودم صحبت نمی‌کنم و اینکه چرا من را می‌گیرند یا نمی‌گیرند، چون در این بحث من و تو، مسئله اصلی من نیستم. اما در جواب بخش دیگر سؤالت من گفتم «آخرش چه می‌شود؟» پاسخ من روشن است؛ در نهایت، به اصلاح نگاه نیاز داریم. این توصیه شخصی من نیست، بلکه روندی است که در حال وقوع است و نشانه‌های آن را هم توضیح دادم. چه بخواهیم و چه نخواهیم، این اتفاق خواهد افتاد؛ تندروها هرچه می‌خواهند بگویند.

فتح‌الهی به‌درستی اشاره کردی که از سال ۱۴۰۳ به بعد، جامعه وارد فضای تازه‌ای شده است؛ جامعه دارد پوست می‌اندازد و با معادلات و ویژگی‌های جدیدی روبه‌رو هستیم که نمی‌توان آن‌ها را با معیارهای گذشته تحلیل کرد. ما قدیم‌ها در خانه ساعتی داشتیم که مثل ساعت‌های امروزی دیجیتالی نبود؛ ساعتی با یک پاندول که از یک سو به سوی دیگر حرکت می‌کرد و پس از رسیدن به انتها، دوباره بازمی‌گشت. من فکر می‌کنم جنگ با آمریکا نیز اکنون به نقطه‌ای رسیده که به انتهای آن حرکت نزدیک شده و دیر یا زود، ناگزیر، مسیر بازگشت را در پیش خواهد گرفت. مانند جنگ با عراق، به نقطه پایان خواهد رسید. مرحوم آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی توانست امام را متقاعد کند ادامه جنگ دیگر پیروزی برای ایران به‌همراه نخواهد داشت؛ امام نیز با توجه به اعتماد و اطمینانی که به آقای هاشمی داشت، قطع‌نامه ۵۹۸ را پذیرفت

پرونده هسته‌ای ایران بار دیگر به شورای امنیت کشیده شده است. با توجه به مجموعه این تحولات، آیا احتمال می‌دهید در وهله نخست، ترامپ بار دیگر به فکر حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران، به‌ویژه تأسیسات کوه‌کلنگ بیفتد؟ و از سوی دیگر، آیا در شورای امنیت نیز ممکن است تحولات جدی‌تری رخ دهد و این پرونده وارد مرحله‌ای شود که به تشدید فشارهای بین‌المللی و افزایش محدودیت‌ها علیه ایران بینجامد؟ به بیان دیگر، ارزیابی شما از احتمال تشدید هم‌زمان فشارهای نظامی و دیپلماتیک علیه ایران چیست؟

نه، به نظر من فعلا حمله‌ای به کوه‌کلنگ اتفاق نمی‌افتد و همچنین روسیه و چین تلاش آمریکا برای اجماع در شورای امنیت را با حربه وتو متوقف خواهند کرد. البته نمی‌توان زدوبندهای چین، روسیه و آمریکا را هم نادیده گرفت. اما شورای امنیت حالاحالاها با این پرونده درگیر خواهد بود. اساسا موضوعات حقوقی و پرونده‌هایی از این‌دست، فرایندی زمان‌بر دارند و رسیدگی به آن‌ها به این سادگی و سرعت امکان‌پذیر نیست. باید مراحل مختلف حقوقی و سیاسی طی شود و طبیعتا این روند طول خواهد کشید.

بنابراین، تصور نمی‌کنم آن پرونده دست‌کم در آینده نزدیک به نتیجه مشخصی برسد یا اتفاق تعیین‌کننده‌ای در این خصوص رخ دهد. نگرانی اصلی من از جای دیگری است؛ اگر بار دیگر درگیری و جنگ آغاز شود، به گمان من، مسئله بسیار جدی‌تر از آن چیزی خواهد بود که صرفا در عرصه نظامی رخ می‌دهد.

نگرانی من این است که این بار، طرف مقابل تلاش کند ضربات بسیار سنگین‌تری به اقتصاد ایران وارد کند و نقاطی را هدف قرار دهد که بتواند آثار گسترده و ماندگاری بر زندگی اقتصادی کشور داشته باشد. ممکن است در یک درگیری جدید، اهداف نظامی مورد حمله قرار بگیرند، اما آنچه برای من نگران‌کننده‌تر است، آسیب‌دیدن بنیان‌ها و زیرساخت‌های اقتصادی کشور است

استیضاح وزیر اقتصاد کلید خورد

PDF Compressor Free Version

طرح استیضاح علی مدنی‌زاده، وزیر اقتصاد، با امضای ۴۷نفر از نمایندگان مجلس چندروزی است که کلید خورده است.

در راهروهای بهارستان، زمزمه‌های تغییر در تیم اقتصادی دولت بار دیگر به گوش می‌رسد و این‌بار، نیز پس از استیضاح و برکناری عبدالناصر همتی، وزیر پیشین اقتصاد دولت چهاردهم، نوک پیکان انتقادات مستقیما به سمت سکاندار وزارت امور اقتصادی و دارایی نشانه رفته است.

گزارش‌ها حاکی از آن است که طرح استیضاح وزیر اقتصاد در مجلس شورای اسلامی کلید خورده و نمایندگان منتقد، با تکیه بر شاخص‌های کلان اقتصادی و فشار معیشتی بر توده‌های مردم، در پی پاسخگو کردن سیدعلی مدنی‌زاده هستند.

۱۷ شهریور، مصطفی پوردهقان، نماینده اردکان در مجلس، ضمن تایید کلید خوردن طرح استیضاح مدنی‌زاده، محورهای اصلی این درخواست را تشریح کرده است. وی تاکید کرد که تورم اقلام خوراکی و معیشتی در کنار نحوه مواجهه وزیر با فشارهای اقتصادی وارد شده بر مردم، از دلایل اصلی طراحان استیضاح است.

بر اساس آیین‌نامه داخلی مجلس، طبق ماده۲۲۷ آیین‌نامه داخلی نمایندگان مجلس می‌توانند با در نظر گرفتن اصل هشتادونهم (۸۹) قانون اساسی، وزیر یا هیات وزیران را استیضاح کنند و استیضاح‌وقتی قابل طرح در مجلس است که به امضای حداقل ۱۰نفر از نمایندگان برسد.

پوردهقان در سوالی که خطاب به وزیر مطرح کرده، آورده است: «نقدینگی را به ۱۷هزار هزارمیلیارد تومان رساندید و تورم سالانه قیمت اقلام معیشتی و خوراکی به ۱۴۰درصد و بسیاری از شاخص‌هایی که کمر مردم را شکسته. چه کار دارید می‌کنید؟» این موج انتقادات تنها به یک نماینده محدود نمی‌شود و پیش از این نیز چهره‌هایی همچون روح‌الله لک‌علی‌آبادی نماینده دورود و ازنا، از مسیر سوال قانونی، عملکرد وزارت اقتصاد را زیر سوال برده بودند.

در این میان، برای بررسی احتمال موفقیت این استیضاح و سنجش فضای عمومی مجلس، به سراغ نمایندگانی رفته است که هنوز در صف امضاکنندگان قرار نگرفته‌اند. بخشی از اعضای کمیسیون‌های اقتصادی مجلس در گفت‌وگوهای خود اعلام کرده‌اند که همچنان در حال بررسی شرایط هستند و تصمیم قطعی برای پیوستن به طرح استیضاح اتخاذ نکرده‌اند. تردید این گروه از نمایندگان عمدتا معطوف به تبعات تغییر در بدنه دولت در شرایط فعلی و همچنین انتظار برای مشاهده برنامه‌های اصلاحی احتمالی از سوی وزارتخانه است.

اگر تنگهٔ هرمز در اختیار آمریکاست، بسم‌الله!

معاون سیاسی نیروی دریایی سپاه نوشت:

ترامپ در فضاسازی رسانه‌ای خود مدعی شده که تنگهٔ هرمز در اختیار آمریکاست؛ اگر چنین است، بسم‌الله. یکی از ناوهای خود را به فاصلهٔ ۱۰۰ کیلومتری نزدیک کنید.

آمریکایی‌ها می‌دانند که اگر شناورهای آنها نزدیک شوند، با پاسخ رزمندگان ایران مواجه خواهند شد که نمونهٔ آن نیز در روزهای گذشته اتفاق افتاده است.

بخش مسافری گذرگاه‌های شلمچه و الشیب بازگشایی شد

رسانه امنیتی عراق در بیانیه‌ای اعلام کرد این تصمیم به دستور علی فالح الزیدی نخست‌وزیر و فرمانده کل نیروهای مسلح عراق و پس از تکمیل بخشی از اقدامات سازمانی فنی و امنیتی در گذرگاه‌های مرزی اتخاذ شده است.

بر اساس این بیانیه فعالیت تجاری در شلمچه از ساعت ٦ صبح دوشنبه ١٤ سپتامبر (٢٣ شهریور) از سر گرفته می‌شود. فعالیت تجاری در مندلی نیز از صبح سه‌شنبه ١٥ سپتامبر (٢٤ شهریور) و در الشیب از صبح پنجشنبه ١٧ سپتامبر (٢٥ شهریور) آغاز خواهد شد.رسانه امنیتی عراق همچنین تأکید کرد، تردد و فعالیت تجاری با ایران در گذرگاه‌های زرباطیه و منذریه بدون توقف و به صورت شبانه‌روزی ادامه دارد.

متخصصان روس اتم برای تعمیرات نیروگاه بوشهر به ایران می‌آیند

مدیرعامل شرکت دولتی روس اتم گفت: تعدادی از متخصصان این شرکت در چارچوب تعمیرات برنامه‌ریزی‌شده واحد نخست نیروگاه اتمی بوشهر وارد ایران خواهند شد.

الکسی لیخاچف در حاشیه اجلاس سران بریکس در دهلی‌نو، افزود: تاکنون ۴۷ متخصص این شرکت به نیروگاه هسته‌ای بوشهر به ایران بازگشته‌اند و قرار است تعداد آنها به ۱۵۰ نفر افزایش یابد.

متخصصان روس‌اتم از اواسط ماه سپتامبر (شهریور –مهر ۱۴۰۵) کار تعمیر و نگهداری برنامه‌ریزی‌شده را برای تعویض مجموعه‌های سوخت در نیروگاه هسته‌ای فعال بوشهر در ایران آغاز خواهند کرد.

چه اشکالی دارد فرزندان مسئولان هم مانند جوانان دیگر مدتی بیکار باشند؟

اقتصاد ما از سال ۹۷ تاکنون نتوانسته نفس بکشد

محمود میرلوحی، فعال سیاسی، در گفت‌وگو با خبرنگار، درباره اینکه با توجه به شرایط کشور و بیکاری جوانان به ویژه در شهرستان‌ها شاهد انتصاب بستگان و آشنایان مسئولان و نمایندگان در برخی پست‌ها و شرکت‌ها هستیم آیا این موارد باعث ایجاد نارضایتی در مردم و شکاف بیشتر میان جامعه و حاکمیت نمی‌شود، گفت: واقعیت این است که کشور در فشار قرار دارد. از ابتدای انقلاب، جنگ تحمیلی و همه این مسائل، با فشارهای مختلف مواجه بوده‌ایم. بعد از دوره آقای خاتمی، دولت آقای احمدی‌نژاد روی کار آمد و داستان تحریم‌ها و ادعای «کاغذپاره» بودن تحریم‌ها و قعطنامه‌ها مطرح شد. این در حالی بود که نفت ۱۴۰ دلاری فروخته شد و سال ۱۳۹۱ درآمدهایی داشتیم که در طول تاریخ ایران، هیچ‌گاه به این میزان درآمد ارزی نرسیده بودیم؛ یعنی فقط در همان سال کشور ۱۱۹ میلیارد دلار نفت فروخت.مه داد: دولت آقای احمدی‌نژاد حدود ۷۵۰ میلیارد دلار نفت فروخت که این رقم با کل درآمد نفتی کشور از زمان دارسی تا دوره آقای احمدی‌نژاد برابری می‌کند. این پول هدر رفت و در نهایت دوره مسئولیت آقای احمدی‌نژاد با تورم و رشد منفی تولید ناخالص داخلی به پایان رسید. این فعال سیاسی اظهار داشت: پس از آن، دولت آقای روحانی روی کار آمد و با برجام، کشور تا حدود سال ۱۳۹۶ مقداری نفس کشید. تورم کاهش پیدا کرد و به یک رقم قابل کنترل‌تر رسید و تسهیلات بانکی هم تقریباً به ۱۸ درصد رسیده بود. فضای تورمی در حال مهار شدن بود و به همین دلیل مردم هم در سال ۱۳۹۶ پای صندوق‌های رأی آمدند و دولت را دوباره تأیید کردند. وی گفت: در واقع درست است که در سال ۱۳۹۷ ترامپ از برجام خارج شد اما در داخل کشور هم افرادی بودند که متأسفانه در این روند نقش داشتند. مشکلی که داریم این است که این حرکت‌ها و این مسائل معمولاً از دو طرف وجود دارد؛ از یک طرف نتانیاهو و ترامپ قرار دارند و از طرف دیگر، عده‌ای در داخل کشور به برخی مسائل دامن زده‌اند و این کار را هنوز هم ادامه می‌دهند.

میرلوحی افزود: به هر تقدیر، دوباره تحریم‌ها از سال ۱۳۹۷ آغاز شد، رشد کشور متوقف شد و تورم دوباره افزایش یافت و از ۴۰ درصد عبور کرد و این روند تا امروز هم ادامه پیدا کرده است. این فعال سیاسی، با اشاره به وضعیت اقتصادی کشور گفت: زمانی که مرحوم آقای رئیسی هم که روی کار آمد، وعده‌هایی داد؛ از جمله اینکه سالانه یک میلیون مسکن می‌سازیم. وزیر کار ایشان هم اعلام کرد با یک میلیون تومان اشتغال ایجاد می‌کنم و از این دست وعده‌ها مطرح شد اما کشور با بحران‌های مختلف زیرساختی مواجه بود؛ بحران صندوق‌های بازنشستگی، بحران بودجه و کسری بودجه، بحران بانک‌ها، بحران آب، بحران انرژی و ناترازی‌ها. این مسائل دست به دست هم داد و مشکلات بسیاری برای کشور ایجاد شد تا اینکه آقای پزشکیان روی کار آمد. وی ادامه داد: آقای پزشکیان هم وعده‌هایی داد و گفت مذاکره می‌کنم و برای کنترل تورم تلاش خواهم کرد اگرچه دیگر وعده‌های دولت قبل را مطرح نکرد اما گفت برای کنترل تورم تلاش خواهد کرد با این حال از روزی که مراسم تحلیف در مجلس برگزار شد، ترور شهید هنیه و همچنین دو جنگی که تاکنون کشور از آنها عبور کرده، اتفاق افتاد و برای نخستین بار تورم کشور در حال سه‌رقمی شدن است. میرلوحی گفت: وقتی گفته می‌شود تورم یک کشور در یک فصل مثلاً دو رقمی شده، ممکن است این وضعیت یک فصل، یک سال، دو سال یا سه سال ادامه داشته باشد؛ اما اقتصاد ما از سال ۱۳۹۷ تاکنون نتوانسته نفس بکشدمیرلوحی گفت: بنابراین باید توجه داشته باشیم که کشور در شرایط جنگی قرار دارد و دشمن همچنان امیدوار است. دشمن تصور می‌کند همان‌طور که از جنگ ۱۲ روزه، تقریباً شش ماه طول کشید تا به دی‌ماه و آن نارضایتی‌ها و حوادث رسیدیم، اکنون نیز تقریباً شش ماه از توقف جنگ ۴۰ روزه گذشته و در حال نزدیک شدن به این بازه زمانی هستیم و تصور می‌کند این روندها تکرار خواهد شد.

وی افزود: البته در گذشته، اعتراضات در کشور دوره‌های ۱۰ ساله داشت؛ از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۸ و سپس در سال ۱۳۹۸. پس از سال ۱۳۹۸، این دوره‌ها یک‌ساله شد و اکنون به دوره‌های شش‌ماهه رسیده‌ایم، زیرا فشار بسیار زیاد است.

این فعال سیاسی تأکید کرد: بنابراین ما باید از مردم خود تشکر کنیم و سپاسگزار همه جامعه باشیم؛ نه فقط کسانی که شب‌ها به میدان می‌آیند و نه فقط کسانی که طرفدار نظام هستند. مخالفان نظام و معترضان هم در نهایت همراهی و همکاری کردند و پشت پرچم کشور ایستادند تا این فشار و مشکلات را پشت سر بگذاریم.

: اکنون سی و چند میلیون نفر از جمعیت کشور زیر خط فقر هستند. گفته می‌شود در شهرهایی مانند تهران، خط فقر بالای ۶۰ تا ۸۰ میلیون تومان است. حالا چند درصد مردم در تهران چنین درآمدی دارند؟ ما حدود بیش از یک میلیون معلم داریم؛ چند معلم داریم که بالای ۳۰ میلیون تومان حقوق دریافت کنند؟ تقریباً همه آنها در محدوده ۲۰ تا ۲۵ میلیون تومان و مانند آن حقوق می‌گیرند و تعداد کسانی که بالای ۳۰ میلیون تومان دریافت می‌کنند، بسیار محدود است. چند نفر بالای ۶۰ میلیون تومان حقوق می‌گیرند؟ اغلب مردم حقوق‌های ۳۰ یا ۲۵ میلیون تومانی دریافت می‌کنند و از کف درآمد برخوردارند. وضعیت کشور این است، خط فقر هم افزایش پیدا کرده است و تورم در حال سه‌رقمی شدن است. وی افزود: اگر کسی در این شرایط، خدایی نکرده، بخواهد به هر شکلی فرصت‌طلبی کند، رانت بگیرد یا منابع ملی را به سمت خود، خانواده و اطرافیانش هدایت کند، واقعاً باید گفت که این اقدام بسیار بی‌انصافی و کم‌لطفی است.

میرلوحی تصریح کرد: اگر قرار باشد برخی مسئولان در این شرایط برای انتصابات به دنبال فرزندان خود باشند، حتی اگر فرزندشان صلاحیت لازم را هم داشته باشد، تحصیلات خوبی داشته باشد و تجربه مناسبی هم کسب کرده باشد، به دلیل شرایط فعلی باید ترجیح دهند افراد دیگری منصوب شوند تا این مسائل و ذهنیت‌ها ایجاد نشود. میرلوحی با اشاره به سخنان اخیر رئیس‌جمهور اظهار داشت: آقای رئیس‌جمهور چند روز پیش صحبت مهمی مطرح کردند و گفتند که در اوایل انقلاب، تعهد و تخصص را در مقابل یکدیگر قرار می‌دادیم. متأسفانه تلاش می‌کردیم برای متخصصان به نحوی نمره منفی در نظر بگیریم و اگر افرادی متدین و حزب‌اللهی بودند، حتی اگر تحصیلات لازم را نداشتند، به آنها نمره مثبت می‌دادیم.

وی افزود: این رویکرد باعث می‌شد یک متخصص را کنار بگذاریم و فردی را که تخصص لازم نداشت، صرفاً به دلیل اینکه فردی مورد اعتماد و حزب‌اللهی بود، منصوب کنیم. این دوره دیگر گذشته است. اکنون نمی‌توان کارخانه‌ها و شرکت‌ها را به این شکل اداره کرد. اگر قرار باشد این کارخانه‌ها و شرکت‌ها سودآور نباشند و محصولات خود را با هزینه‌ای بیشتر از بخش خصوصی و از جیب مردم تولید کنند یا خدمات خود را به این شکل ارائه دهند، واقعاً ظلم و جفا در حق مردم است. میرلوحی ادامه داد: همین مسائل است که باعث مطرح شدن بحث امضاهای طلایی و موضوعات مشابه می‌شود. متأسفانه بهره‌وری در کشور پایین است و بعد شاهد کسری بودجه و هزینه بالای دولت هستیم. باید پرسید چرا این وضعیت به وجود آمده است؟ به دلیل همین نگاه‌ها بوده است.

وی گفت: مگر می‌شود یک شرکت زیان‌ده باشد؟ در شستا، صندوق‌های بازنشستگی و هر جایی که این شرکت‌ها فعالیت می‌کنند، چنین وضعیتی وجود دارد. در ستاد اجرایی، بنیاد مستضعفان و بنیادهای مختلف هم شرکت‌های متعددی وجود دارد. آستان قدس رضوی هم شرکت‌های مختلفی دارد، بسیاری از منابع و ثروت ملی در اختیار این مجموعه‌هاست. چرا باید این شرکت‌ها زیان‌ده باشند؟ به دلیل اینکه متأسفانه بسیاری از مدیران، بدون اینکه دانش، تجربه، صلاحیت و کارایی لازم را داشته باشند، به واسطه ارتباطات وارد این مجموعه‌ها می‌شوند و پس از آن، خسارت‌ها هر سال بیشتر می‌شود و این شرکت‌ها همچنان زیان‌ده باقی می‌مانند.

این فعال سیاسی تصریح کرد: همه این مسائل باعث افزایش هزینه یا قیمت تمام‌شده کالا و خدمات می‌شود و در نهایت این هزینه باید از جیب مردم پرداخت شود.

میرلوحی خاطرنشان کرد: یک جاهایی، این مسائل را باید کنار گذاشت. ممکن است فرزندان مسئولان بسیار توانمند و افراد خوبی باشند، اما در شرایط فعلی باید وضعیت مردم و جامعه هم در نظر گرفته شود.

میرلوحی ادامه داد: کشوری که امروز حدود ۲۰ میلیون نفر در آن دانشگاه رفته‌اند و حدود یک میلیون مهندس دارد، نباید شاهد چنین وضعیتی باشد. اگر فرض کنیم ۵۰۰ یا هزار نفر از فرزندان مقامات، نمایندگان مجلس و مسئولان در این جایگاه‌ها قرار داشته باشند، لطفی به خودشان، خانواده‌شان و کشور است که فعلاً برای تصدی این پست‌ها و صندلی‌ها تلاش نکنند و تا عادی شدن شرایط صبر کنند.

وی افزود: پس از عادی شدن شرایط، رفع تحریم‌ها و وقتی کشور توانست نفسی بکشد، می‌توان رقابت کرد. چه اشکالی دارد در آن شرایط بخش خصوصی از یک آقازاده دعوت کند و از او بخواهد به عنوان مدیر فعالیت کند و حتی حقوق بالاتری هم به او پرداخت کند؟ اما در شرایط فعلی، اگر کسی برای تصدی این پست‌ها، مقام‌ها و شرکت‌ها رقابت کند، واقعاً در حق کشور و مردم ظلم کرده است.

این فعال سیاسی اظهار داشت: حالا که این افراد تاکنون از این فرصت و موقعیت برخوردار بوده‌اند و توانسته‌اند در سطح ملی مسئولیت داشته باشند، لطف کنند و برای مدتی دندان علاقه به تصدی در پست‌ها را بکشند و کنار بگذارند.

میرلوحی تأکید کرد: مردم وقتی شرایط اقتصادی، وضعیت اشتغال و گرفتاری‌هایی را که با آن مواجه هستند می‌بینند و در عین حال مشاهده می‌کنند که فرزند فلان مسئول یا فرزند فلان مقام در جایگاهی قرار گرفته است، حساس می‌شوند. این حساسیت مردم را نباید نادیده گرفت. بنابراین در این شرایط نباید تبعیض وجود داشته باشد و باید عدالت اجتماعی برقرار شود.